



بابای شهدی جبهه کردستان

محمدحسن نظرنژاد در سوم خرداد ماه سال ۱۳۲۵ در روستای بته مرده در ۷۰ کیلومتری جاده مشهد- سرخس در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد.

پدر بزرگ مادری و پدری او از روحانیون مبارز علیه طاغوت زمان خودشان بودند.

محمدحسن دوران کودکی را در همان روستا سپری کرد و زمانی که به سن نوجوانی و جوانی رسید در منطقه خودشان حریفی در کشتی با چوخه نداشت.

پس از آن به شهر مقدس مشهد عزیمت کرد. در مشهد اول شاگرد نانوايي شد و بعد از آن وارد کار بافندگی شد و کم کم با پشت کار فوق العاده ای که داشت مغازه بافندگی ای روبرو کرد و در روزهای جمعه با چند تن از دوستان خود در گلشور طلاب گود کشتی برپا کردند. در آن جا جوان ها را جمع می کردند و مشغول کشتی می شدند. او در این رشته ورزشی بسیار موفق بود تا حدی که به تیم ملی کشتی نیز دعوت شد.

او در ۲۲ سالگی با دختر عموییش ازدواج کرد. مراسم ازدواج آن ها در عین سادگی در همان روستا برگزار شد. به دلیل کسب و کارش در مشهد، همسرش را نیز به مشهد آورد.

شهید محمدحسن نظرنژاد که بعدها به "بابانظر" معروف شد، فعالیت های مبارزاتی و انقلاب خود را از دوران پیش از انقلاب آغاز کرد.

در سال ۱۳۵۷ موفق به شرکت در جشنواره کشتی طوس شد. شخص فرح نیز در این جشنواره حضور داشت. از آن جایی که فعالیت های انقلابی در حال شکل گیری بود و نظرنژاد جزو نیروهای انقلابی به شمار می رفت؛ سعی در برهم زدن برنامه ها داشت. سرانجام با کمک یکی دیگر از کشتی گیران موفق به این کار شد. به محض ورود فرح به سالن آن ها فریاد مرگ بر شاه سر دادند و مردم حاضر در تالار نیز آن ها را همراهی کردند و طولی نکشید که تمام برنامه ها به هم ریخت با زمزمه های انقلاب محمدحسن که آن زمان ها به پهلوان معروف شده بود به جمع تظاهرات کنندگان و انقلابیون پیوست و کم کم به بیت آیت الله شیرازی راه پیدا کرد و مبارزاتش شکل رسمی به خود گرفت. در این زمان به خاطر این که زیر نامه حزب رستاخیز را امضا نکرد دستگیر و به زندان رفت

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) جزو اولین کسانی بود که به کمیته پیوست و در گروه ضربت کمیته مشغول پاکسازی شهر خود شد و با تشکیل سپاه پاسداران به سپاه وارد شد و با فرمانده آن زمان سپاه مشهد یعنی بابارستمی شروع به پاسداری از مرزهای شرق کشور کرد.

بعد از پیروزی انقلاب از همان روزهای اول عازم جبهه‌های جنگ شد. اولین بار در سال ۱۳۵۸ عازم جبهه کردستان شد و تا پایان جنگ در جبهه حضور داشت. او به‌رغم شدت جراحات ناشی از اصابت ترکش، به مدت ۱۴۰ ماه در مناطق جنگی حاضر بود.

این جانباز ۹۵ درصد که در دوران دفاع مقدس مجروح شیمیایی شد، در سال ۱۳۷۵ و پس از ۱۷ سال در بازگشت دوباره به منطقه کردستان، هنگامی که برای بازدید از واحدهای نظامی در ارتفاعات کفارسران کردستان اعزام شده بود، در ارتفاعات پرفشار آن منطقه بر اثر تنگی نفس و عوارض شیمیایی به شهادت رسید.

بنا به وصیت خودش در بهشت رضا (ع) و میان شهیدان ابراهیمی و شریفی به خاک سپردند. روستای زادگاهش را به یاد او «بابانظر» نام نهادند تا یاد و خاطره اش همیشه زنده بماند.

۱. <https://bookroom.ir/news/۷۰۵۳/%D%A%B1%D9%88%D%A%AV%DB%AC%D%AA%DB%AC-%D%AF%DB%AC%DA%AF%D%B1-%D%A%AV%D%B2-%D%B4%D9%87%DB%AC%D%AF-%D%A%D%AV%D%A%D%AV%D9%86%D%B%D%B1>
۲. <http://nazarnejad.blogfa.com/post/۱۶>
۳. <http://www.shohada-khorasanr.ir/%D%B4%D9%87%DB%AC%D%AF-%D9%85%D%AD%D9%85%D%AF-%D%AD%D%B3%D9%86-%D9%86%D%B%D%B1-%D9%86%DA%98%D%AV%D%AF/>